

آسیب‌شناسی دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی؛ کاربست رویکرد عملگرا در بازنگری محتوا، منابع و شیوه‌های آموزش

احمد محقر*



چکیده

سرمایه‌گذاری برای تربیت و تأمین نیروی انسانی از جمله مسائلی است که همواره ذهن مدیران جوامع را مشغول کرده؛ به‌گونه‌ای که به امر آموزش و پژوهش به‌عنوان یک سرمایه ملی نگریسته و آن را باارزش‌ترین سرمایه‌ها که در وجود انسان‌ها ذخیره می‌شود، به‌حساب می‌آورند. در اساس سه مأموریت عمده یعنی آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی برای دانشگاه‌ها وجود دارد. دانشگاه‌ها باید در هنگام ارائه برنامه‌های جدید آموزشی و

* دکتر احمد محقر استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.
(a-mohaghar@ferdowsi.um.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۷

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۴۰-۱۱۹.

پژوهشی به نیازها توجه کنند. ویژگی برون‌گرایی علم، ایجاب می‌کند رابطه نظام‌مندی میان اهداف و محتوای آموزشی با نیازهای مراکز اجرایی که مشتریان تولیدات دانشگاه هستند، برقرار شود. در این مقاله با توجه به دو نکته پیش‌گفته، (ضرورت انطباق محتویات متون آموزشی با نیازهای کارشناسی جامعه و تأکید بر ارتقای توانمندی پژوهشی دانشجویان) دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی با رویکردی کاربردی مورد بازنگری قرار می‌گیرد. بنابراین ضمن بررسی موانع کاربردی کردن این درس‌ها، به نقد سرفصل‌های مصوب دروس که محتوای منابع آموزشی و روش تدریس استاد را جهت می‌دهد، پرداخته و پیشنهادهای جهت حذف، ادغام، اصلاح دروس و سرفصل‌های مربوطه ارائه می‌شود. به‌عنوان اقدامی عملی در کاربردی کردن دروس نیز، چهار گام پیشنهادی در طراحی مطالب آموزشی، همراه با پیشنهادهای جهت اصلاح شیوه‌های آموزش دروس حقوقی ارائه می‌شود. نگارنده در پایان، یکی از مباحث حقوقی را به‌عنوان نمونه انتخاب کرده و مدل مورد نظر خود را در قالب آن به‌مورد اجرا گذاشته است.

واژه‌های کلیدی: آموزش کاربردی، آموزش پژوهش‌محور، دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تحقق هدف‌های توسعه علمی در گروی ایجاد رابطه‌ای نظام‌مند میان مراکز اجرایی، مردم و دانشگاه است. یک برنامه‌ریزی آموزشی مطلوب باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموخته هر رشته دانشگاهی را علاوه بر کسب مهارت‌های نظری، به مهارت‌هایی مجهز کند که او را برای حضور در بازار کار به تناسب نیازهای دستگاه‌های اجرایی هدف، مهیا کند. بر همین اساس، برای نهاد دانشگاه سه مأموریت عمده یعنی آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی برشمرده می‌شود. اگر رابطه منطقی میان محتوای آموزش، منابع آموزشی و شیوه‌های ارائه آموزش وجود نداشته باشد، دانشگاه در دستیابی به اهداف مأموریت‌ها و وظایف سه‌گانه فوق ناکام خواهد ماند.

اهمیت و ضرورت توانمندسازی دانش‌آموختگان رشته علوم سیاسی به‌منظور ایفای نقش آنان در نظام اجرایی کشور، در بخشی از اهداف برنامه آموزشی علم سیاست چنین آمده است: «تربیت افراد کارآمد با توانایی علمی که قابلیت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی ایران و جهان را داشته باشند و بتوانند در ارگان‌های اجرایی کشور متمرثمر واقع شوند؛ تأمین نیروی انسانی مورد نیاز وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سازمان‌های عمومی کشور به‌ویژه وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت آموزش و پرورش و آموزش عمومی». برای دستیابی به اهداف یادشده، رعایت برخی اصول مورد توجه قرار گرفته است:

الف - اصل آزادی تفکر و تبادل نظر دائمی میان معلم و دانشجو در تمام مراحل آموزش؛

ب - مبادله گسترده اطلاعات علمی میان محافل آموزشی و پژوهشی داخلی و

بین‌المللی؛

ج - تعلیم و تعلم از سوی استاد و دانشجو به صورتی که زمینه آموزش، پژوهش، تفسیر و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی را هرچه بیشتر فراهم سازد.^(۱) ملاحظه می‌کنیم با وجود پیش‌بینی اهداف یادشده مبنی بر ضرورت تربیت کارشناسان و افراد کارآمد مورد نیاز دستگاه‌های اجرایی، در بیان اصول معطوف به این اهداف، صرفاً به کلی‌گویی بسنده شده و سازوکار و چگونگی دستیابی به اهداف تبیین نشده است که نتیجه آن، فاصله آموخته‌های دانشجویان با نیازهای بازار کار است.

در این مقاله تلاش بر آن است که با عنایت به نکته‌های پیش‌گفته، یعنی ضرورت انطباق محتوای متون آموزشی با نیازهای کارشناسی جامعه و با تأکید بر ارتقای توانمندی دانشجویان به منظور تربیت نیروهای انسانی متخصص که بتوانند در هرم شغلی جامعه جایی داشته باشند و اطلاعات و تخصص خود را در حوزه فعالیت نظری و عملی خویش به درستی به کار گیرند، عناوین هفت‌گانه دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی (مبانی علم حقوق، کلیات حقوق اساسی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق بین‌الملل اسلامی، حقوق اداری، حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی) با رویکردی کاربردی مورد بازنگری قرار گیرند.

برای آسانی بررسی درس‌های دوره کارشناسی علوم سیاسی، مجموعه دروس را می‌توان بر اساس شباهت موضوعی در چند گروه دسته‌بندی کرد: دروس پایه، تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی، اندیشه‌های سیاسی، روابط بین‌الملل و دروس حقوقی. گرچه با اندکی تفاوت، تمام آسیب‌شناسی‌های صورت‌گرفته در مورد درس‌های رشته علوم سیاسی صادق است، اما این مقاله درصدد آسیب‌شناسی و ارائه راهکار برای مجموعه دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی است. برای این منظور، ضمن بررسی و نقد محتوا و اهداف هر یک از دروس در برنامه کلی و سرفصل دروس مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، منابع مورد استفاده در آموزش این درس‌ها را از حیث محتوا و میزان انطباق آن با هدف هر درس و اهداف کلی دوره علوم سیاسی بررسی

کرده و در پایان به بررسی شیوه‌های آموزش و ارائه پیشنهادهایی به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خواهیم پرداخت.

۱. محتوا

برای پی بردن به میزان انطباق محتوای آموزشی هر یک از دروس حقوقی با اهداف کلی دوره کارشناسی علوم سیاسی، به بررسی سرفصل‌ها و هدف اعلامی هر درس در مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی می‌پردازیم.

۱-۱. مبانی علم حقوق

این درس در قالب ۳ واحد نظری و با هدف «آگاهی دانشجویان به اصول و موازین حقوق و شناخت نهادهای حقوقی و جایگاه آن در روابط اجتماعی» در مجموعه دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی گنجانده شده است. محتوای این درس در قالب ۶ سرفصل پیش‌بینی شده است:^(۳)

قسمت نخست: روابط اجتماعی: فرد و جامعه، مسئله حق و تکلیف، پیدایش حقوق، روابط انسان‌ها با قانون، تعریف و معانی مختلف حقوق، اوصاف قواعد حقوق؛

قسمت دوم: علم حقوق: رابطه حقوق با سایر نظام‌های اجتماعی، رابطه حقوق با سایر علوم، حقوق تطبیقی (نظام‌های مختلف حقوقی)، مسائل حقوقی اسلامی؛ قسمت سوم: تقسیمات حقوق: داخلی، خارجی، عمومی، خصوصی و شعبه‌های آن به تفصیل؛

قسمت چهارم: منابع حقوق: قوانین اساسی، قوانین عادی، مقررات دولتی، عهدنامه‌های بین‌المللی، عقاید علما، رویه قضایی، عرف؛

قسمت پنجم: قلمرو قواعد حقوقی در مکان و زمان؛

قسمت ششم: اقسام حقوق: حقوق فردی و حقوق اجتماعی.

۱-۲. حقوق اساسی (کلیات)

این درس در قالب ۲ واحد نظری و با هدف «آشنایی با دیدگاه‌های مختلف در زمینه مسائل کلی مربوط به ساختار سیاسی دولت و نهادهای حکومت، و حقوق و

آزادی‌های فردی و رابطه قدرت دولت با حقوق ملت و توانایی تحلیل دولت از قوانین اساسی و دستیابی به چهارچوب‌های حقوقی در مسائل کلی سیاسی» در دروس علوم سیاسی گنجانده شده است. محتوای این درس در قالب هشت فصل ارائه می‌شود:^(۳)

فصل نخست: تعریف حقوق اساسی، جایگاه آن، دیدگاه‌ها، موضوع، رابطه آن با علم سیاست، منابع حقوق اساسی، حقوق اساسی یا نهادهای سیاسی؛
فصل دوم: دولت، مفهوم و عناصر تشکیل‌دهنده دولت، نظریات مختلف در زمینه حاکمیت، حاکمیت دولت؛

فصل سوم: تقسیم‌بندی دولت‌ها، تقسیم‌بندی شکلی، نوع حاکمیت دولت‌ها، شکل‌بندی دولت‌ها از نظر حقوقی؛

فصل چهارم: تشکیل اساسی حکومت، نهادها، اصل تفکیک قوا، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در اصل تفکیک قوا، نظریه تشکیلات برتر؛

فصل پنجم: قوه مقننه؛

فصل ششم: قوه مجریه؛

فصل هفتم: قوه قضائیه؛

فصل هشتم: حقوق و آزادی‌های ملت.

۳-۱. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

این درس در قالب ۲ واحد نظری با هدف «آشنایی با ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و توانایی تحلیل حقوقی و اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهادها، رهبری و حقوق ملت» طراحی شده است. سرفصل‌های این درس شامل یک مقدمه و هفت فصل به شرح زیر است:^(۴)
مقدمه: تاریخ تدوین و تصویب قانون اساسی در ایران، قانون اساسی مشروطه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

فصل اول: اصول و مبانی سیاسی و ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران (فصل اول و دوم قانون اساسی)؛

فصل دوم: حاکمیت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ساخت قدرت

و مشروعیت حاکمیت، حاکمیت به مفهوم ولایت فقیه و ادله آن، حاکمیت ملت و نهادهای برخاسته از آن، رابطه میان دو نوع حاکمیت؛

فصل سوم: نهادها و ارکان حکومت: استقلال قوا، نظارت ولایت امر بر قوا، سیستم دولت در جمهوری اسلامی ایران، رابطه قوه مقننه با قوه مجریه و قضائیه (تحلیل فصل پنجم قانون اساسی)؛

فصل چهارم: قوه مقننه: همه‌پرسی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، بررسی مراحل سیر قانون‌گذاری، رابطه قوه مقننه با قوه مجریه و قضائیه (تحلیل فصل پنجم قانون اساسی)؛

فصل پنجم: قوه مجریه: تشکیل قوه مجریه، وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، هیئت دولت (تحلیل فصل نهم قانون اساسی)؛

فصل ششم: قوه قضائیه: اهداف و مسئولیت‌ها، تشکیل قوه قضائیه، اختیارات، نهادهای قوه قضائیه؛

فصل هفتم: حقوق و آزادی‌های ملت، (تحلیل فصل سوم قانون اساسی).

۴-۱. حقوق بین‌الملل اسلامی

این درس در قالب ۲ واحد نظری با هدف «بررسی مبانی تاریخ تکوین دیدگاه‌های جهان اسلام با تأکید بر اصول حقوقی حاکم بر روابط بین‌المللی در اسلام» طراحی شده است. سرفصل‌های زیر محتوای درس حقوق بین‌الملل اسلامی را تشکیل می‌دهند:^(۵)

حقوق بین‌الملل اسلامی چیست (تعریف بنیاد حقوق بین‌الملل اسلامی: دیدگاه تاریخی)؛

منابع حقوق بین‌الملل اسلامی، جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوق اسلام، موضوع حقوق بین‌الملل اسلامی (دیدگاه جهانی اسلام و تئوری کشور، مسئله شناسایی فرد در حقوق بین‌الملل اسلامی)، اصول حاکم بر روابط بین‌المللی در اسلام و اصل صلح و همزیستی (اصل تعهد یکتاپرستانه)، اصل رسالت جهانی، وفای به عهد، اصل مدارا و تحمل، اصل رفتار همسان، همیاری و برادری، مداخله یا عدم مداخله، معاهدات: (تعریف و دسته‌بندی معاهدات، تعهد یک‌جانبه، آئین

عقد معاهدات، اصل حاکم بر تعهدات قراردادی و بین‌المللی، بررسی چند معاهده باقیمانده از صدر اسلام، الحاق به معاهده، پایان معاهده، مسئولیت بین‌المللی، جهاد: (کلیات، شرایط و مقررات جنگ، پایان جنگ)، رفتار با بیگانگان: (حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی و مفهوم بیگانه، طبقه‌بندی بیگانگان، حمایت از حقوق بشر، پناهندگی، دادخواهی در محاکم اسلامی)، روابط دیپلماتیک: (سفیران، کنسول، مصونیت)، حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی: (شیوه سیاسی، شیوه قضایی).

۵-۱. حقوق بین‌الملل عمومی

این درس در حال حاضر در قالب دو عنوان درس ۲ واحدی و در دو نیم‌سال تحصیلی متوالی ارائه می‌شود. درس حقوق بین‌الملل عمومی (۱) با هدف «آشنا ساختن دانشجویان با ماهیت و مبانی حقوق بین‌المللی و نیز اصول کلی حاکم بر روابط میان دولت‌ها» در چهارچوب مباحث زیر طراحی شده است:^(۶)

فصل اول: ماهیت، منشأ و مبانی حقوق بین‌الملل؛

فصل دوم: منابع حقوق بین‌الملل؛

فصل سوم: اشخاص حقوق بین‌الملل؛

فصل چهارم: رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی؛

فصل پنجم: حقوق و تکالیف اساسی دولت‌ها؛

فصل ششم: شناسایی؛

فصل هفتم: صلاحیت دولت‌ها.

درس حقوق بین‌الملل عمومی (۲) که درس دو واحدی قبلی نیز به‌عنوان پیش‌نیاز این درس قلمداد شده است، با همان هدف و به‌عنوان مکمل درس قبلی منظور شده است. سرفصل‌های زیر، محتوای این درس را تشکیل می‌دهند:^(۷)

فصل اول: نظام حقوق سطح دریاها و اقیانوس‌ها (آب‌های داخلی، دریای

سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه اقتصادی انحصاری، دریای آزاد)؛

فصل دوم: نظام حقوق بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها (فلات قاره، منطقه

بین‌المللی اعماق)؛

فصل سوم: آبراه‌های بزرگ بین‌المللی (تنگه‌ها - ترعه‌ها)؛
 فصل چهارم: حقوق هوایی؛
 فصل پنجم: حل اختلافات بین‌المللی به‌طور مسالمت‌آمیز؛
 فصل ششم: جانشینی؛
 فصل هفتم: مسئولیت دولت‌ها.

۶-۱. حقوق بین‌الملل خصوصی

در این درس که بر مبنای ۲ واحد نظری و با هدف «آشنایی با اصول تابعیت بیگانگان و اشخاص (حقوقی، طبیعی) در کشورها» طراحی شده است،^(۸) مباحث «تعریف فوائد و منابع حقوق بین‌الملل خصوصی، تابعیت (اصول کلیات)، تابعیت ایران (تحصیل تابعیت و خروج از تابعیت ایران)، اقامتگاه (اصول کلی)، اقامتگاه در حقوق ایران، وضع بیگانگان (اشخاص طبیعی و حقوقی)، وضع بیگانگان در ایران» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۷-۱. حقوق اداری (کلیات و ایران)

این درس بر مبنای ۲ واحد نظری با هدف «آشنا ساختن دانشجویان با نهادها، سازمان‌های اداری و تشکیلات وزارتخانه‌ها و همچنین حدود قلمرو و اختیارات آنها» در برنامه درسی دوره کارشناسی علوم سیاسی گنجانده شده است.^(۹) سرفصل‌های این درس عبارتند از: مفاهیم حقوق اداری و رابطه آن با نهادها و سازمان‌های اداری کشور، تعریف نهاد و سازمان‌های اداری، حدود قلمرو و اختیاراتها و اقدامات اداری، محلی، کشوری و مرکزی، نهادهای اداری، رهبر، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر، تشکیلات وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی در مرکز و خارج از مرکز، مؤسسات مستقل عمومی و دولتی، سازمان‌های حرفه‌ای مثل کانون وکلا، نظام پزشکی، نظام صنفی، کانون سردفتران و غیره.

در بررسی محتوا، سرفصل‌ها و اهداف دروس یادشده نخستین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که کلیه دروس از نظر نوع و کیفیت ارائه، «نظری» طراحی شده‌اند. طبعاً نخستین مانع در داشتن رویکرد کاربردی به دروس، چهارچوب قانونی است که از طرف برنامه‌ریزان برای ارائه دروس فراهم شده است

و این چهارچوب به تبع خود، محتوای کتاب‌ها و منابع آموزشی و روش تدریس استاد را جهت می‌دهد. هنگامی که درسی صرفاً به صورت نظری ارائه می‌شود و هیچ سازوکاری برای آشنایی دانشجو با مصادیق عینی و عملی یافته‌هایش فراهم نمی‌شود، باید گفت در این زمینه مقصر اصلی نظام آموزشی است چراکه نظام آموزشی دانشجو را بیشتر مصرف‌کنندهٔ آموخته‌های استادان بار می‌آورد؛ درحالی‌که یکی از وظایف اصلی نظام آموزش عالی آن است که دانشجوی رشته‌های علوم انسانی را از حالت مصرف‌کنندهٔ صرف اطلاعات بیرون آورد و او را به مثابهٔ تولیدکننده، سازمان‌دهنده و راهگشای جامعه هدایت کند.^(۱۰) در غیر این صورت، دانش‌آموختهٔ علوم سیاسی در چهارچوب نظام آموزشی «حفظ‌محور» به انبانی از انبوههٔ واژگان و مفاهیم انتزاعی تبدیل شده و این توان را نمی‌یابد که آموخته‌های خود را به محیط عملیاتی بکشانند. این در حالی است که برخلاف تلقی رایج که رشته علوم سیاسی را متوکی تئوریک ساخت قدرت سیاسی می‌داند، به نظر می‌رسد محیط‌های عملیاتی بسیاری در ساختار اداری - اجرایی کشور وجود دارد که دانش‌آموختگان علوم سیاسی می‌توانند - در صورت اصلاح نظام آموزشی - حضور مفیدتر و مؤثرتری در ساختار نظام تصمیم‌گیری کشور داشته باشند.

این کاستی در برنامهٔ آموزشی کلیه دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی نیز به چشم می‌خورد و طبعاً کتاب‌هایی که به عنوان منبع اصلی یا فرعی آموزش این دروس معرفی می‌شوند، صرفاً به پشتیبانی نظری محتوای آموزشی دروس می‌پردازند. با نگاهی دوباره به اهداف بیان‌شده برای هر یک از عناوین هفت‌گانهٔ دروس حقوقی و با تحلیل عبارات به‌کاررفته در تبیین اهداف، ملاحظه می‌کنیم در اغلب آنها از عبارت «آگاهی دانشجویان به...»، «آشنایی با دیدگاه‌های مختلف در زمینه...»، «آشنایی با ساختار سیاسی...»، «بررسی مبانی تاریخ تکوین...»، «آشنایی دانشجویان با...»، «تعریف فوائد و منابع...»، «آشنایی دانشجویان با نهادها، سازمان‌ها و...» استفاده شده است. بهره‌گیری از این عبارات در بیان هدف هر یک از دروس، نشان‌دهنده تأکید بر توصیفی و غیرکاربردی بودن برنامه آموزشی و افزایش صرف محفوظات علمی دانشجو بدون توجه به جنبهٔ کاربردی اطلاعات اندوخته‌شده است و طبعاً در شیوه‌های آموزشی نیز کمتر شاهد رویکرد کاربردی

به منظور همراه ساختن جنبه‌های نظری و عملی دانش مورد نظر با توجه به نیازهای جامعه هستیم.

با توجه به ضرورت وجود رابطه منطقی میان اهداف دروس با سرفصل‌های طراحی شده برای آنها، شاهد همین کاستی جدی در سرفصل هر یک از دروس یاد شده هستیم به طوری که در سرفصل‌های درس مبانی علم حقوق، شاهد ارائه مباحثی همچون روابط اجتماعی، تقسیمات، منابع و اقسام حقوق در قالبی کاملاً توصیفی هستیم. همچنین در دروس حقوق اساسی کلیات و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشجو برپایه هدف منظور شده برای این دو درس، صرفاً محفوظاتی را در مورد برخی تعاریف، تقسیم‌بندی‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در خصوص مفاهیم اساسی حقوق اساسی در چهارچوب کلیات حقوق اساسی فرا گرفته و سپس با همان اندوخته‌ها با ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت نظری آشنا می‌شود.

همین وضعیت در مورد سایر دروس حقوقی یاد شده نیز صادق است به گونه‌ای که تنها مثال‌های عینی و تبیین‌کننده استاد و مهارت او در ترغیب دانشجو به مشارکت در مباحث می‌تواند فضای درس را از حالت خشک و بی‌روح خارج کرده و امکان درک مفاهیم انتزاعی را برای دانشجو فراهم سازد که البته در برخی موارد چنین کاری چندان میسر نیست و به دلیل عدم انعطاف در شیوه‌های آموزشی، محیط کلاس به رابطه‌ای یک‌طرفه تبدیل شده و دانشجو نیز مجبور به تحمل چنین وضعی برای گذراندن واحدهای آموزشی موظف است.

۲. بررسی منابع

در بررسی اغلب منابع اصلی و فرعی آموزشی دروس نیز مشاهده می‌شود که نویسندگان دست‌اندرکار تدوین منابع آموزشی اصلی و فرعی در خصوص دروس دانشگاهی، مطابق همین سنت آموزشی به تدوین منابع پرداخته‌اند و به ندرت دغدغه کاربردی کردن مباحث یا اتخاذ رویکردهایی در ارائه مطالعات به منظور امتزاج با نیاز بازار کار یا انطباق با ضرورت‌های دستگاه‌های اجرایی یا تصمیم‌گیری را در ذهن داشته‌اند. چنین رویکردی غالباً در دیباچه یا مقدمه کتاب‌های مورد نظر در قالب

عباراتی خود را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در دیباچه کتاب حقوق اساسی آمده است: «امید است انتشار این کتاب، گام سودمندی در جهت اعتلای سطح معلومات دانشجویان عزیز باشد».^(۱۱) همچنین در دیباچه کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی (جلد دوم) اظهار امیدواری شده است این کتاب گام سودمندی در جهت کمک به دانشجویان گرامی و ارتقای جایگاه حقوق عمومی در کشور باشد.^(۱۲)

بدیهی است به‌طور قطع تمامی آثاری که از آنها یاد می‌شود دارای ارزش والای علمی هستند که در این مجال قصد بررسی آنها نیست بلکه نقطه تأکید مقاله حاضر، بررسی راهکارهای انطباق محتویات آموزشی با ضرورت‌های عینی دستگاه‌های اجرایی به‌منظور کاربردی کردن محتویات آموزشی است. البته دلایل متعددی برای این کاستی متصور است که قصد نگارنده صرفاً رویکرد آموزشی به‌عنوان مانعی فراروی انطباق بُعد نظری و عملی آموخته‌های دانشگاهی است. نویسنده کتاب مقدمه عمومی علم حقوق ضمن بررسی تاریخی از سابقه تحول مقدمه علم حقوق، طبق همان سنت رایج وارد بحث شده است. بنابراین کتاب فاقد رویکرد کاربردی یا اتخاذ روش‌هایی برای واداشتن دانشجو به عملیاتی کردن مباحث است.^(۱۳) نویسنده کتاب مقدمه علم حقوق نیز کتاب خود را ترکیبی از مطالب گوناگون فلسفه حقوق و شعبه‌های حقوق خصوصی دانسته و آن را تلاشی در جهت ساده کردن و گردآوری نظریه‌های کلی حقوق معرفی نموده که هدف آن آشنایی دانشجویان با شیوه‌های علمی تحقیق و در اختیار گذاردن معلومات عمومی است.^(۱۴)

دیدگاه غیرکاربردی و صرفاً نظری بر کتاب‌های منتشره از سوی سازمان سمت در حوزه علوم سیاسی غلبه یافته است؛ درحالی‌که انتظار می‌رود این سازمان که هدف خود را تألیف و ترجمه منابع درس اصلی، فرعی و جنبی در هرکدام از رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی می‌داند، گام‌های عملی برای کاربردی کردن منابع آموزشی دانشگاه‌ها بردارد. به‌طور مثال با نگاهی به پیشگفتار کتاب اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی درمی‌یابیم نویسندگان کتاب، بدون داشتن دغدغه و نگرانی در زمینه کاربردی کردن مباحث، هدف کتاب را غنی‌سازی ادبیات موضوع حقوق بین‌الملل اسلامی بر مبنای چشم‌انداز گسترش انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر و کمک به تحکیم مبانی حکومت اسلامی در

سایر کشورهای اسلامی اعلام کرده‌اند.^(۱۵) کتاب فقه سیاسی نیز ضمن ارائه مباحث متنوع در زمینه حقوق بین‌الملل اسلامی، فاقد پیش‌بینی‌های خاص در کاربردی کردن این مباحث است.^(۱۶) در مبحث حقوق بین‌الملل عمومی نیز شیوه‌تدوین و ارائه مطالب از همان ویژگی عمومی غیرکاربردی برخوردارند؛ چنانکه نویسنده کتاب حقوق بین‌الملل عمومی نیز طبق سنت سایر کتاب‌های آموزشی و بدون اتخاذ شیوه‌های خاص مبتنی بر کاربردی ساختن مباحث، به ارائه سرفصل‌های مورد نظر خود پرداخته است.^(۱۷)

اما نویسنده کتاب بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی جهت جلب توجه دانشجویان و آسانی فراگیری مباحث، اقدام به ارائه خلاصه بحث و نمونه سؤالات در پایان هر بخش نموده که در جای خود قابل تقدیر است.^(۱۸) مشابه این اقدام در تدوین کتاب بایسته‌های حقوق اساسی نیز به چشم می‌خورد، بدین ترتیب که در پایان هر فصل «پرسش‌های مهمی برای تمرین» ارائه می‌شود که هدف آن آسانی بازنگری مطالب، در پایان نیم‌سال و هنگام گذراندن امتحان اعلام شده است.^(۱۹) گرچه نویسنده به بهره‌گیری از روش‌های کاربردی در تدوین این کتاب استناد کرده است اما با آنچه مدنظر نگارنده مقاله در مورد کاربست رویکرد کاربردی در منابع آموزشی به‌منظور انطباق با ضرورت‌های بازار کار و دستگاه‌های اجرایی است، تفاوت اساسی دارد و ظاهراً مقصود نویسنده از به‌کارگیری روش‌های کاربردی، همان بهره‌گیری از شیوه‌های ابتکاری در آسان‌سازی در درک مطلب کتاب است.

کتاب حقوق اداری (انتشارات سمت) نیز که به‌عنوان منبع اصلی درس حقوق اداری تدوین شده است، صرفاً دربرگیرنده مفاهیم اصلی حقوق اداری معرفی شده و فاقد ابتکارات و روش‌های نوین جهت کاربردی‌سازی مباحث است.^(۲۰) نویسنده کتاب مبانی حقوق اداری به سبک کتاب دیگر خود (بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی) اقدام به نمایه‌سازی مباحث و ارائه سؤالات در پایان هر فصل نموده که گام مؤثری در آسان‌سازی یادگیری فراگیران است.^(۲۱) همین کاستی در تدوین و ارائه مباحث در دو کتاب حقوق بین‌الملل خصوصی که از سوی انتشارات پایدار و نشر میزان منتشر شده‌اند، مشاهده می‌شود. در یکی از این دو کتاب، نویسنده صرفاً برپایه اهداف اعلامی طراحان برنامه درسی دوره کارشناسی علوم سیاسی، تلاش

کرده با توجه به پیچیدگی مباحث، تا حد امکان به زبان ساده مطالب را بیان کند^(۳۲) و دیگری کوشیده مبحث پیچیده تعارض‌ها به‌ویژه تعارض قوانین را با بیانی ساده و آسان به رشته تحریر درآورد؛^(۳۳) اما تمامی این تلاش‌ها از حد طرح مباحث نظری فراتر نرفته‌اند.

۳. شیوه‌های آموزشی

همان‌طور که اشاره شد اخیراً شاهد نوآوری‌هایی در تدوین کتب آموزشی به‌منظور آسان‌سازی فراگیری دانشجویان در برخی منابع آموزشی هستیم. از جمله این اقدامات طراحی نمونه سؤالات و مرور مباحث در پایان هر فصل است. اما آنچه مورد نظر این مقاله است خلق و به‌کارگیری شیوه‌های جدید برای کاربردی کردن آموخته‌هاست. سال‌های مدیدی است که بهره‌گیری از چنین روش‌هایی در سایر رشته‌ها و حوزه‌های علمی رایج است و در برخی حوزه‌های علوم اجتماعی نیز جریان دارد. می‌توان با برخی جرح و تعدیل‌ها به تناسب مضامین و محتوای آموزشی، از آنها در تدریس دروس علوم سیاسی نیز بهره گرفت؛ به‌علاوه راهکارهایی که در زمینه عملیاتی کردن مباحث این رشته در بخش «پیشنهادها و راهکارها» عرضه خواهد شد.

امروزه شیوه‌های نوینی در امر آموزش به‌کار گرفته می‌شود که از رهگذر این شیوه‌ها می‌توان ضمن جلب علاقه دانشجویان و آسان‌سازی فراگیری مواد آموزشی، زمینه‌های کاربردی‌سازی مفاهیم و ارتقای توانمندی دانشجو در امر پژوهش و انجام تحقیقات را فراهم نمود. در یکی از این شیوه‌ها که تلفیقی از چند رویکرد آموزشی مختلف است، در پایان هر فصل، ابتدا مروری بر مهم‌ترین مباحث فصل در قالب چند بند شماره‌دار ارائه می‌شود. این اقدام موجب می‌شود دانشجو از سردرگمی خارج شده و نکات کلیدی فصل را از توضیحات جنبی و تکمیلی آن متمایز سازد. به عبارت دیگر با این اقدام، چنانچه در ابتدای ترم تحصیلی طرح درس مربوطه تهیه و ارائه شده باشد و هدف‌های رفتاری دانشجو بیان شده باشد، خلاصه‌ای که در پایان فصل مرور می‌شود در حقیقت بازگشتی به هدف‌های رفتاری جزئی خواهد بود؛ ضمناً نگرانی دانشجو را از ابهام احتمالی در مورد شیوه برگزاری

امتحان تا حدودی برطرف می‌کند.

در دومین گام، واژگان مهم یا اصطلاحات کلیدی بحث جهت یادآوری دانشجو - در صورت امکان همراه با معادل‌های آن در زبان اصلی - آورده می‌شود. اهمیت این اقدام زمانی روشن می‌شود که توجه داشته باشیم در بسیاری از حوزه‌های علمی خصوصاً دروس حقوقی، آشنایی با واژگان کلیدی و تمایز واژگان مشابه در ادبیات موضوع، از اهمیت خاصی در فراگیری و کاربرد مفاهیم برخوردار است. سومین گام، معرفی منابع تکمیلی در خصوص مباحث همان فصل است.

سنت بر این است که استاد در ابتدای هر ترم به صورت گفتاری یا نوشتاری منابع اصلی و تعدادی از منابع فرعی یا تکمیلی مربوط به درس را معرفی می‌کند اما با توجه به اینکه هر منبع، کتاب یا مقاله‌ای دارای نقطه تأکیدی است که در انجام تحقیقات معمولاً به آن توجه می‌شود، در صورتی که در پایان هر فصل منابع خاص تکمیلی مربوط به همان بحث ارائه شود، خواننده را در جریان عمل تحقیقات گوناگون قرار می‌دهد و بدین‌سان با مشاهده تحقیقات پژوهشگران، به شکل بهتری با شیوه‌های تحقیق آشنا شده و در انجام پژوهش مهارت می‌یابد.^(۳۴) لازم به یادآوری است این اقدام در کتاب‌هایی که به عنوان منابع تحقیقاتی به چاپ می‌رسند، معمول است اما قصد نگارنده از تأکید بر مطلب این است که کتاب‌هایی که به عنوان منبع آموزشی تدوین و معرفی می‌شوند نیز به این خصوصیت‌ها مجهز شوند و دانشجوی دوره کارشناسی که شاید قبل از آن با ادبیات بحث آشنایی نداشته است، بتواند مسیر تحقیق و پژوهش را با راحتی بیشتری پیماید.

آخرین گام پیشنهادی، گنجانیدن تمرین‌های نظری و عملی مناسب با مباحث ارائه‌شده در هر فصل است. در این مرحله متناسب با مباحث مربوطه از دانشجو خواسته می‌شود با مراجعه به منابع تکمیلی دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی، اداری یا قضایی، گزارشی پیرامون تمرین مورد نظر تهیه و ارائه کند. این تمرین که می‌تواند جنبه پیمایشی، آزمایشی، مطالعات میدانی، مشاهده و نمونه‌گیری آماری داشته باشد، موجب تعمق و تأمل دانشجو در آموخته‌های خود شده و او را به شقوق و چالش‌های گوناگون و هیجان تلاش در مطالعه واقف می‌گرداند، و به کاربردی بودن مباحث پی برده و آموزش را از حالت انتزاعی و خشک و بی‌روح بیرون آورده و

شیوه تحقیق‌پذیر کردن موضوعات، مفاهیم و عملیاتی کردن و سنجش آنها را به او می‌آموزد. از رهگذر این تمرین دانشجو با محیط‌های عملیاتی کاربست آموخته‌هایش آشنا شده و نگرانی شغلی وی پس از پایان دوره تحصیلی نیز کاهش می‌یابد.

۴. پیشنهادها و راهکارها

در این مجال به‌طور خلاصه به برخی اقدامات ضروری با رویکرد کاربردی در دروس علوم سیاسی به‌طور عام و دروس حقوقی دوره کارشناسی این رشته به‌طور خاص می‌پردازیم و پیشنهاداتی را جهت کاربردی‌سازی دروس حقوقی ارائه می‌کنیم:

۱. بازبینی و اصلاح برنامه و سرفصل دروس و تعریف دوباره اهداف هر یک از دروس با رویکرد کاربردی به‌منظور خارج شدن از نظام آموزشی «یادگیری مبتنی بر حفظ اندوخته‌های درسی». چنین تحولی به‌دنبال خود تغییر در سرفصل‌ها و محتوای آموزشی را در پی خواهد داشت. نکته مهمی که در بازبینی دروس دوره علوم سیاسی نباید مورد غفلت قرار گیرد، توجه به تکراری بودن و هم‌پوشانی مباحث مشابه در درس‌های مختلف است که این نکته در مورد دروس حقوقی نیز مشهود است. به‌عنوان مثال، بسیاری از مباحثی که در سرفصل‌های درس حقوق بین‌الملل اسلامی گنجانده است، از مفاهیم کلیدی دو درس حقوق بین‌الملل عمومی ۱ و ۲ است که در این درس‌ها به‌طور کامل به آنها پرداخته می‌شود. در واقع آنچه تحت عنوان خاص حقوق بین‌الملل با صفت «اسلامی» ارائه می‌شود، تنها بخش کوچکی از مجموعه مباحث این درس را تشکیل می‌دهد. این کار می‌تواند در قالب بازبینی و اصلاح سرفصل‌ها با افزودن یک واحد به درس حقوق بین‌الملل عمومی، یا با اصلاح سرفصل‌های درس دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر (ص) انجام گیرد. همچنین در مباحث اشخاص و تابعین حقوق بین‌الملل، شاهد تکرار و هم‌پوشانی مبحث سازمان ملل متحد هستیم که عیناً و به‌طور کامل هم در این درس و هم در درس سازمان‌های بین‌المللی تکرار می‌شود. با اصلاح و بازبینی چنین مواردی می‌توان فضای لازم برای گنجاندن مباحث و پروژه‌های کاربردی در سرفصل‌ها و

برنامه آموزشی و همچنین در منابع آموزشی و کتاب‌ها را با رویکرد کاربردی به مباحث فراهم نمود.

۲. اختصاص سهمی از واحد درسی به‌عنوان کار دانشجویی در قالب کارورزی، کارآموزی، تمرین عملی و... دانشجوی در این قالب موظف خواهد بود ضمن حضور در دادگاه‌ها، دستگاه‌های اداری، اجرایی، قضایی (به تناسب موضوع درس) آموخته‌های خود را در جریان عمل تجربه کند. محیط‌های اداری، اجرایی و قضایی فراوانی برای عملیاتی کردن مفاهیم دروس حقوقی دوره علوم سیاسی وجود دارد که چنانچه سازوکار قانونی و آموزشی آن در قالب برنامه درسی پیش‌بینی شود، امکان عملی کردن آنها وجود دارد. به‌عنوان مثال، استاد می‌تواند بخشی از تکلیف درسی دانشجوی را در درس مقدمه علم حقوق، حضور دانشجوی در جلسات علنی دادگاه‌ها، دفاتر وکالت، دفاتر مشاوره‌های حقوقی، دفاتر ثبت اسناد و املاک و یا ثبت احوال قرار دهد و گواهی مؤید حضور را دریافت کند.

این امر در درس حقوق اساسی می‌تواند شامل حضور در جلسات علنی دادگاه‌ها، به‌خصوص جرائم مطبوعاتی یا سیاسی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی حقوق شهروندی، حضور در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی (در تهران) و جلسات شوراهای استان و شهرستان برای آشنایی با فرایندهای رسیدگی به جرائم، قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری باشد.

با توجه به محتوای درس حقوق بین‌الملل عمومی و اسلامی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف - پیش‌بینی سفرهای علمی (در قالب آیین‌نامه سفرهای علمی دانشجویی) در برنامه درسی به‌منظور آشنایی با انواع مرزهای طبیعی و مصنوعی، میله‌های مرزی، کانال‌های مرزی، سیم‌های خاردار، ابزارهای هوشمند انسداد مرز، رودخانه‌های مرزی در مناطق مختلف؛

ب - آشنایی با وظایف نمایندگی‌های وزارت امور خارجه یا کنسول‌گری‌های مستقر در شهرهای مختلف؛

ج - برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی با ارگان‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، فائو، کمیساریای عالی پناهندگان، کمیسیون

جهانی مبارزه با مواد مخدر، کمیسیون حقوق بشر اسلامی؛

د - شبیه‌سازی جلسات شورای امنیت و...

در درس حقوق اداری، دانشجو می‌تواند ضمن حضور در هریک از ارگان‌های اداری و دولتی با تشکیلات سازمانی و فرایندهای اداری، استخدامی، بازنشستگی و... آشنایی پیدا کرده و گزارش علمی آن را تحویل استاد دهد. برگزاری کارگاه آموزشی آشنایی با مقررات اداری دستگاه‌های مختلف، از دیگر اقدامات خواهد بود.

تمامی اقدامات و پیشنهادات پیش‌گفته، در نخستین گام نیازمند بازنگری در برنامه آموزشی دروس و گنجانیدن جنبه‌های عملی و کاربردی در سرفصل موظف دروس است. در اجرای مدل پیشنهادی نگارنده در تدوین منابع آموزشی دروس حقوقی دوره کارشناسی علوم سیاسی، به‌عنوان نمونه مبحث انتخابات و نظام‌های انتخاباتی^(۳۵) از کتاب حقوق اساسی دکتر طباطبایی مؤتمنی انتخاب شده که در پایان مبحث مربوطه، مدل مورد نظر به‌ترتیب زیر به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

مرور

♦ دموکراسی نمایندگی حکومتی است که در آن ملت، حاکمیت را به‌طور غیرمستقیم توسط نمایندگان منتخب خود اعمال و اجرا می‌کند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، طرز انتخابات و شیوه توزیع کرسی‌های نمایندگی بین حوزه‌های انتخاباتی و... مسائل پیچیده‌ای هستند که در ثبات سیاسی کشور اثر می‌گذارند.

♦ پیشرفت تفکر دموکراتیک، در طول زمان با توسعه حق رأی همراه بوده و تاریخ تحولات و تکامل حق رأی برحسب کشورها متفاوت است. حق رأی عمومی، از دستاوردهای تازه دموکراسی است. رأی نابرابر که در سابق در برخی کشورها مرسوم و متداول بود، امروزه در همه‌جا ملغی شده است.

♦ آزادی انتخابات ایجاد می‌کند دادن رأی شخصاً توسط انتخاب‌کننده بدون هیچ واسطه‌ای و به‌طور مخفی نوشته و به‌طور مستقیم در صندوق انداخته شود.

♦ روش انتخاب نمایندگان مجالس قانون‌گذاری دو قسم است: اکثریتی و

تناسبی. اجرای روش اکثریتی نیازمند توزیع تعداد کرسی‌های مجلس مقننه بین مراکز جمعیتی به تناسب وسعت و جمعیت آنهاست و هدف نظام تناسبی آن است که هر حزب و گروه سیاسی بتواند به نسبت آرای که در انتخابات کشور کسب می‌کند، صاحب کرسی شود.

♦ نظام اکثریتی را می‌توان به دو شیوه تک‌گزینی و چندتن‌گزینی اجرا کرد. در نظام اکثریتی لیستی ممکن است از روش لیست باز و لیست بسته استفاده کرد که هریک محاسن و معایب خود را دارد.

♦ در محاسبه آرای هر لیست در نظام تناسبی، از سه روش ضریب انتخاباتی حوزه‌ای، ضریب ثابت و ضریب ملی استفاده می‌شود.

♦ حزب سیاسی از جمله گروه‌های میانجی است که بین ملت و دولت فعالیت می‌کند. وجود حزب موجب می‌شود فعالیت‌های سیاسی از حالت محفلی خارج شده، افراد در چهارچوب قانون وارد عرصه سیاست شوند.

♦ از لحاظ ساختاری و انضباط، حزب ممکن است دموکراتیک یا غیردموکراتیک، منضبط یا غیرمنضبط باشد.

♦ نظام‌های انتخابی از حیث نقش احزاب به نظام‌های بی‌حزبی، تک‌حزبی و چندحزبی تقسیم می‌شوند.

♦ در نظام دوحزبی (از نوع رژیم پارلمانی انگلستان) دولت از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است ولی در نظام‌های چندحزبی دولت ثبات زیادی ندارد و نمی‌تواند به‌آسانی لوایح مورد نیاز خود را از پارلمان بگذراند.

اصطلاحات کلیدی

دموکراسی نمایندگی، حوزه انتخاباتی، حق رأی، حق انتخاب، حق رأی مالیاتی، حق رأی همگانی، رأی نابرابر، رأی وکالتی، انتخابات یک‌درجه‌ای، انتخابات دودرجه‌ای، مجلس نمایندگی، مجلس سنا، نظام انتخاباتی اکثریتی، نظام انتخاباتی تناسبی، نظام اکثریتی لیستی، لیست بسته، لیست باز، شیوه تک‌گزینی، شیوه چندتن‌گزینی، ضریب انتخاباتی حوزه‌ای، ضریب ثابت، ضریب ملی، حزب، نظام حزبی، نظام تک‌حزبی، نظام چندحزبی.

منابع تکمیلی

در مورد مباحث مربوط به انتخابات به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

۱. حجت‌الله ایوبی، اکثریت چگونه حکومت می‌کند؟، (تهران: سروش، ۱۳۷۹).
۲. محمدصادق عامر پایهان و محمد مصلحیان، برنده کیست؟، (مشهد: سخن‌گستر، ۱۳۸۴).
۳. دنیس کاوانا، مبارزه انتخاباتی، مترجم: علی‌اکبر عسگری تلاوت، (تهران: سروش، ۱۳۷۹).

تمرین‌های عملی

۱. شرکت در جلسات حزبی
۲. شرکت در ستادهای انتخاباتی احزاب
۳. شرکت در جلسات مربوط به ستادهای اجرایی انتخابات
۴. نظرسنجی انتخاباتی از اقشار مختلف مردم
۵. بررسی شیوه‌های تبلیغات انتخاباتی از حیث ارتباط‌شناسی سیاسی
۶. آشنایی با آیین دادرسی انتخابات
۷. آشنایی با حوزه‌بندی انتخاباتی
۸. آشنایی عملیاتی با مجاری تأمین هزینه‌های انتخاباتی کاندیداها
۹. آشنایی عملیاتی با مجاری هزینه‌های انتخاباتی کاندیداها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شورای عالی برنامه‌ریزی، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس کارشناسی علوم سیاسی، (تهران: ۱۳۷۵)، ص ۴.
۲. همان، ص ۱۶.
۳. همان، ص ۲۱.
۴. همان، صص ۲۲-۲۳.
۵. همان، ص ۲۴.
۶. همان، ص ۴۷.
۷. همان، ص ۴۸.
۸. همان، ص ۵۰.
۹. همان، ص ۳۸.
۱۰. علیرضا ازغندی، علم سیاست در ایران، (تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲)، صص ۱۳۰-۱۲۹.
۱۱. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، (تهران: نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶)، ص ۱۰.
۱۲. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ هفتم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲).
۱۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه علم حقوق، چاپ پنجم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶).
۱۴. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، چاپ سی و یکم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱)، ص ۱۰.
۱۵. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، (تهران: سمت، ۱۳۷۹)، ص ۳.
۱۶. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد سوم، (تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۷).
۱۷. محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲).
۱۸. رضا موسی‌زاده، بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۵).

۱۹. ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، *بایسته‌های حقوق اساسی*، چاپ اول، (تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۳).
۲۰. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، *حقوق اداری*، (تهران: سمت، ۱۳۸۱).
۲۱. رضا موسی‌زاده، *مبانی حقوق اداری*، چاپ اول، (تهران: شهرآب، ۱۳۷۴).
۲۲. جلال‌الدین مدنی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، (بی‌جا: ۱۳۶۹)، ص ۱۷.
۲۳. نجادعلی الماسی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، (بی‌جا: ۱۳۸۲)، ص ۱۴.
۲۴. ترزال. بیکر، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، مترجم: هوشنگ نائبی، چاپ اول، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۶).
۲۵. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، *حقوق اساسی*، صص ۱۶۲-۱۴۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی